

وضعیت خیار عیب با وجود گارانتی

عامر مقدم^۱، خلیل خانفراه^۲

^۱ کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

خیار عیب یکی از اختیارات کاربردی در بین مواردیست که فقه و به طبع آن قانون مدنی در اختیار طرفین معامله جهت احقاق حق از معیوب بودن مورد معامله قرار داده است. امروزه بر این خیار حقی نیز انضمام یافته که به موجب آن تعهد بر رفع عیب و یا هرگونه احقاق حق شایسته از طرف متضرر بر عهده ی طرف دیگر استقرار می یابد؛ اما استدلال مخالف برخی؛ از امر گارانتی، رضایت زیان دیده را میرساند و خود را از باب هرگونه عیب و مسئولیتی راجع به آن مبری میدانند. در این مقاله که به صورت توصیفی تحلیل و با تکیه بر مواد قانون و نیز منابع کتابخانه ای تدوین شده، به سوالاتی از جمله ماهیت حقوق گارانتی و حقوق زیان دیده در موارد گارانتی در قوانین داخلی پرداخته شده. نتایج این تحقیق بیان گر آن است که حضور گارانتی هیچ باری از دوش فروشنده ی کالای معیوب بر نمیدارد و از طرفی نیز آن را با تعهدی مضاعف روبرو میسازد.

واژه‌های کلیدی: خیار عیب، گارانتی، کالای معیوب.

مقدمه

در فقه و قانون موارد عدیده ای جهت حمایت از افراد در معاملات و روابط تجاری بین آنان است. مواردی که در آن به یکی از متعاملین این حق را میدهد که جهت دفع ضرر از خود؛ معامله را فسخ یا طرف معامله را به جبران خسارت وادارد. یکی از این اختیارات، خیار عیب است که امروزه با تدوین قوانین حمایتی از مصرف کننده، ضمانت اجرای قابل قبولی نیز پیدا کرده است. گارانتی های صادره از سوی فروشندگان، یکی از این ضمانت هاست؛ اما در برخی موارد وجود گارانتی را به رضایت خریدار بر عیوب موجود در مبیع تفسیر نموده اند. در مواردی نیز به موجب این گارانتی ها، فسخ معامله از سوی یکی از احدین معامله، غیر منطقی میخوانند.

این مسائل و مواردی از این قبیل را در این مقاله مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- مفاهیم و مبانی نظری

۱-۱ مفاهیم

۱-۱-۱ مفهوم عیب

۱-۱-۱-۱ مفهوم عیب در اصطلاح

عیب در لغت، از ماده «ع ی ب» و معادل فارسی آن نقص و کمبود فیزیکی است. در بعضی از کتابهای لغت عیب مترادف با کلمه عوار یا عور گرفته شده است؛ اما در بعضی از اخبار و روایات، لغت عوار با حرف «و» بر واژه «عیب» عطف شده است این در حالی است که عطف دو کلمه به یکدیگر می تواند دلیل بر تغایر باشد نه ترادف اما با بررسی معانی لغوی این دو واژه، می توان استنباط کرد که عوار، بیشتر در معنای «پارگی پیراهن» یا «کوری چشم» بکار می رود. ولی عیب می تواند در تمامی عیوب استعمال شود. (معلوف، ۱۳۷۸، ص ۵۴۰) فقها عموماً تعریف مشابهی از عیب دارند مانند عیب خروج از مجرای طبیعی ناشی از نقص یا زیاده ای است که مقتضی نقص مالی باشد (انصاری، ۱۴۲۰، ق. ۵، ۱۹۳) هرگاه دروصفی که دراصل خلقت باید به آن وضع باشد، زبادت و نقصانی برسد عیب است (خویی، ۱۴۱۰، ۴۰۶) که ملاک و معیار در عیب را نقص مالی می داند و منظور از نقص مالی کاهش ارزش و بهای مالی و پایین آمدن قیمت آن است.

۱-۱-۱-۲ مفهوم عیب در قانون

حقوقدانان نیز به فراخور برداشتهای متفاوت از قانون، تعاریفی از عیب ارائه داده اند؛ از جمله اینکه؛ عیب عبارت است از وضعیتی در مورد معامله که برخلاف وضعیت عادی و در حال سلامت آن می باشد (شهیدی، ۱۳۸۴؛ ۶۱) تشخیص عیب برحسب عرف و عادت می شود زیرا عرف در محلی ممکن است امری را عیب بداند و عرف محل دیگر آن را عیب نشناسد و یا در زمانی عیب به شمارد و در زمان دیگر به آن اثر ندهد (امامی، ۱۳۸۵، ۵۰۰) عیب نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد (کاتوزیان، ۱۳۸۷؛ ۲۳۹) کسی که اقدام به خرید کالا می کند و در مقابل آن عوض به فروشنده می دهد به تصور آن است که آن مال سالم و بدون عیب می باشد این امر را در اصطلاح حقوق سلامت از عیوب نامند اگر چه در بیع شرط سلامت مبیع نشده باشد.

اطلاق عقد اقتضا می نماید که مبیع سالم و خالی از عیب باشد. لذا شرط سلامت مبیع از عیوب در عقد تأکیدی بیش نیست زیرا مشتری به تصور اینکه مبیع سالم است آن را خریداری می کند و در صورت وجود عیب مشتری متضرر می شود که این با عدل و انصاف سازگار نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ۵۳۰).

ماده ۴۲۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بود مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارزش یا فسخ معامله» ظاهر حکم ناظر به بیع است لیکن از مفاد ماده ۴۵۶ قانون مدنی استنباط می‌گردد که قانونگذار در مقام بیان قاعده عمومی برای قراردادهاست. مفاد ماده ۴۳۷ قانون مدنی نیز این برداشت را تأثیر می‌نماید، زیرا اگر ماده ۴۲۶ برخلاف ظاهرش حکمی استثنایی بود، باید شامل ثمن معیب نیز نباشد، در حالی که ماده ۴۳۷ می‌گوید: «از حیث احکام عیب، ثمن شخصی مثل مبیع شخصی است» با توجه به نص مذکور قانونگذار بیع را به عنوان بارزترین عقد حاوی عیب مثال آورده و قصداً اختصاص حکم به بیع را نداشته است. با وجود عیب خریدار دو حق ممتاز پیدا می‌کند که در انتخاب یکی از آن دو آزاد است:

۱- فسخ قرارداد و مسترد نمودن مبیع و ثمن

۲- اخذ ارزش یعنی قبول کالای معیوب بعلاوه تفاوت قیمت کالای سالم و معیوب

۱-۱-۳- عیب در حقوق بین الملل

در کنوانسیون بین المللی بیع کالا تعریفی از عیب نشده است. تنها در ماده ۳۵، از عنوان کلی «عدم مطابقت کالا با قرارداد» بحث شده است و به قرارداد و تراضی طرفین اصالت داده و آن را به عنوان مبنای عیب پذیرفته است. (کرمی؛ ۱۳۸۰، ۱۱۹)

در حقوق فرانسه «نقص در مصرف» معیار تمیز عیب است (ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه) و همانند قانون ما به خریدار حق داده است که برای جبران ضرر خود درخواست فسخ بیع را نماید، یعنی مبیع را باز گرداند و ثمن را پس بگیرد، یا کاهش ثمن را از دادگاه بخواهد. خریدار در انتخاب یکی از دو راه حل آزاد است و می‌تواند تا زمانی که درخواست او منتهی به صدور حکم قطعی نشده است خواسته خود را تغییر دهد، مثلاً اگر درخواست انحلال بیع کرده، ارزش بگیرد. لیکن چون انحلال قرارداد به حکم دادگاه سورت می‌پذیرد اگر دادرس عیب مورد استناد را چندان مهم نیابد که مقتضی انحلال بیع باشد می‌تواند درخواست را نپذیرد و حکم به کاهش و تعدیل قرارداد بدهد. (کاتوزیان؛ پیشین؛ ج ۵، ۲۷۵)

۱-۱-۲- مفهوم گارانتی

گارانتی^۱ به مفهوم متداول آن یعنی تعهد تولید کننده در مدت زمان مشخص بر تعمیر کالا و رفع معایب و نقایص و حتی تعویض آن یکی از شیوه‌های متداول حمایت از مصرف کننده است که در این نوشتار به بررسی ماهیت حقوقی آن می‌پردازیم. در معنی لغوی خود به هر گونه تضمین و ضمانتی اطلاق می‌شود و می‌تواند هر نوع ضمانت حقوقی را نیز شامل شود. این نوع گارانتی به ویژه در بازارهای رقابتی نقش عمده‌ایی را در رویکرد خریدار به کالاها دارد و به میزانی که نحوه ارائه گارانتی و زمان آن به سود مشتری باشد در جلب نظر او به خرید مؤثرتر است.

در تعریفی دیگر میتوان بیان داشت؛ گارانتی، تعهدی است الزام‌آور که از ناحیه فروشنده طبق شرایط و ضوابطی در برابر خریدار به وجود آمده است و معامله مبتنی بر آن انجام گرفته است. در واقع بر پایه اصل حاکمیت اراده که براساس آن اراده فرد نه فقط در ایجاد عقد و آثاری که بر آن مترتب می‌شود، بلکه در تمامی روابط حقوقی، حاکمیت مطلق دارد، فروشنده تعهد کرده است که موارد خاصی از رفع نقص، تعمیر و یا تعویض قطعات و کالا را تا زمان معینی و براساس شرایط خاصی عهده‌دار شود.

این تعهد براساس آزادی قراردادی پدید آمده و به نظر می‌رسد از آن رو که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه و قوانین امری جامعه نمی‌باشد و با مصالح برتر اجتماعی نیز در تعارض نیست می‌تواند برای تولید کننده کالا الزام آور باشد؛ و از آنجا که براساس ماده ۱۰ ق مدنی که مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است» می‌توان حکم به صحت چنین تعهدی داد.

¹ Guaranty

عقود و قراردادهای منحصر به عناوین معین در قالبهای خاص نیستند و امروزه فقیهان امامیه هر نوع قرار معاملی را که از دید عقلا و عرف، عقد و پیمان تلقی گردد، مشمول اصل وفای به عهد و در زمره تجارت ناشی از تراضی و معتبر و صحیح می‌دانند. (عبده بروجردی، ۱۳۸۰، ۱۹۳) نکته‌ای که باقی می‌ماند این است که آیا گارانتی خود تعهد مستقلاً است و یا شرطی است که به صورت شرط ابتدائی و یا در ضمن عقد لازم، الزام‌آور شده است. به نظر برخی ماده ۱۰ ق مدنی نفوذ شرط را نیز از این قید که ضمن عقد واقع شود رها می‌سازد؛ زیرا شرط نیز خود قراردادی است که می‌تواند جدای از عقد الزام‌آور باشد، پس کافی است که شرط مربوط به قرارداد باشد تا متمم آن به شمار آید هر چند که بعد از عقد امضاء شود. (کاتوزیان؛ پیشین، ج ۴، ۲۶۳)

گارانتی اعطایی از سوی شرکت‌های تولیدی را می‌توان در دو حالت تصور نمود.

الف) گارانتی را به عنوان شرط ضمن عقد بیع تلقی نمود و معامله را مبتنی بر آن دانست. در این صورت الزام پدید آمده از عقد لازم، شرط ضمن آن را نیز شامل شده و شرط را نیز الزام آور می‌نماید.

ب) گارانتی را شرط جداگانه و صرفاً مربوط به آن قرارداد دانست که با توضیحی که در فوق ارائه شد این شرط نیز لازم و تعهدآور است اگر چه در ضمن عقد واقع نشده باشد بنابر این تولید کننده به صرف اینکه تعهد کرده باشد که تا مدت زمان مشخصی عیوب پدید آمده در کالا را رفع نماید و یا آن را تعویض نماید و این امر مورد قبول خریدار قرار گرفته باشد تعهدی الزام‌آور پدید آمده است که بر پایه آن خریدار می‌تواند در صورت امتناع تولید کننده از ایفاء تعهد تقاضای الزام او را از محکمه بنماید. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۱۹۶)

۱-۲ مبانی نظری

۱-۲-۱ شرایط ایجاد خیار عیب

برای ایجاد خیار عیب باید شرایطی وجود داشته باشد این شرایط به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۲-۱-۱ پنهان بودن عیب

چنانچه عیب موجود در مبیع یا ثمن به گونه‌ای باشد که طرف معامله بتواند آن را مشاهده کند، دیگر نمی‌توان به استناد خیار عیب، بیع را در معرضفسخ قرار داد زیرا که دیدن عیب کالا در وقت معامله به معنای رضایت به آن است. گاه عیب واقعاً پنهان نیست، اما ممکن است مشتری متوجه آن نباشد، در این صورت نیز خیار عیب وجود دارد (محقق حلی، ۱۴۱۵، ه.ق، ۲۸۱) معیار تمیز «مخفی ماندن» داوری عرف بطور نوعی است یا این وصف در رابطه با علم و جهل خریدار ارزیابی می‌شود؟ (عیب مخفی که از دید خریدار متعارف پنهان بماند) یا نقصانی است که در قرار داد موضوع دعوا خریدار از آن غافل باشد. لذا آنچه در تحقق خیار عیب موثر واقع می‌شود علم و جهل خریدار است نه داوری عرف. هر چند در دید عرف آشکار محسوب شود. (کاتوزیان، پیشین، ج ۵، ۲)

منظور از مخفی در ماده ۴۲۳ معنی مزبور را نمی‌رساند، قانون مدنی بلافاصله در ماده ۴۲۴ آنرا تفسیر نموده و می‌گوید: «عیب وقتی مخفی محسوب است که مشتری در زمان بیع عالم به آن نبوده است اعم از اینکه این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده است یا اینکه ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است»؛ بنابراین در صورتیکه مشتری در حین معامله عالم باشد که مبیع معیوب است و آنرا بخرد حق خیار عیب ندارد، زیرا چنانچه ضرری از معامله مزبور متوجه مشتری شود با علم به این امر اقدام به ضرر خود نموده است. (امامی، پیشین، ج ۱، ۱۶۸)

۱-۲-۱-۲ موجود بودن عیب در زمان عقد

عیبی منشاء خیار است که هنگام عقد موجود باشد ماده ۴۲۳ قانون مدنی در این خصوص مقرر میدارد: «خیار عیب وقتی برای مشتری ثابت می‌شود که عیب مخفی و موجود در زمان عقد باشد». ممکن است عیب کالا مدت‌ها بعد از معامله ظاهر شود، ولی

آنچه به خریدار چنین مالی حق فسخ و گرفتن ارزش می دهد، وجود عیب در زمان تراضی است زیرا ظهور عیب کاشف از اختیار اوست و خود سهمی در ایجاد خیار ندارد به همین جهت نیز پیش از ظهور عیب میتوان خیار را ساقط کرد.^۱

در صورتیکه در حین عقد مبیع معیوب باشد و مشتری به تصور سلامت آن را خریداری نماید و عوض بدهد او در معامله خود متضرر شده است. قانون برای جلوگیری از ضرر به او اجازه داده است که بتواند بیع را فسخ کند و یا بیع را قبول و ارزش بخواهد. (۱) خیار در مبیعی جاری می شود که عین خارجی و یا کلی در معین باشد که به میزان مبیع، فرد سالم در آن موجود نباشد، در صورتیکه مبیع، کلی فی الذمه باشد و پس از تسلیم فردی از افراد کلی، مبیع معیوب در آید، خریدار میتواند آنرا پس دهد و فروشنده را مجبور کند که فرد سالمی را تسلیم کند. همچنین هر گاه در بیع کلی در معین، فرد سالمی برابر مبیع در مجموع معین موجود باشد، خریدار حق فسخ معامله را ندارد و فقط می تواند فروشنده را ملزم به تسلیم فرد سالم از آن مجموع معین کند. (شهیدی، پیشین، ۱۶۲) در صورتیکه عیب بعد از عقد ناشی از سبب پیش از آن باشد «مانند اینکه اسب فروخته شده در اثر بیماری نهفته پیشین، بعد از عقد از حرکت باز ماند» باید عیب را مربوط به قبل از عقد تلقی نمود.

۱-۲-۱-۳ شخصی بودن مبیع

یکی از شرایط ایجاد خیار عیب، شخصی بودن مبیع و به تعبیری جزئی بودن آن است. ماده ۴۳۷ قانون مدنی مقرر میدارد: «از حیث احکام عیب، ثمن شخصی مثل مبیع شخصی است». با توجه به این ماده معلوم می شود که شخصی بودن مبیع، یکی از شرایط خیار عیب است. بر این اساس، در صورتی که مبیع کلی باشد پس از آشکار شدن عیب در مصداق تسبیم شده، مشتری می تواند بدل آن را از فروشنده مطالبه کند و نمی تواند معامله را فسخ کند مگر اینکه حادثه ای مبیع کلی را منحصر به فرد کرده باشد. در صورتی که مبیع، کلی در معین باشد چنانچه در این مقدار معین، مبیع سالم موجود باشد باید مبیع سالم را تحویل دهد و اگر همه آنها معیوب باشد حق فسخ ایجاد می شود (زین الدین، ۱۴۱۳؛ ۱۱۹).

شرط دیگر این است که قرارداد باید معوض باشد. در عقد رایگان خیار عیب راه ندارد. آنکه مالی را به رایگان بدست آورده است از اعمال خیار طرفی نمی بندد و به زیان خود اقدام می کند زیرا بنابه فرض، عوضی در برابر مال معیب قرار ندارد تا او بتواند با فسخ عقد آن را باز ستاند یا از میزان آن بکاهد. با وجود این در هبه معوض که طرف قرارداد به انتظار و انگیزه تملک مالی سالم، به سود واهب شرط عوض را می پذیرد، بی تفاوتی قانون در برابر عیب مال موهوب عادلانه بنظر امی رسد. بی گمان هبه با شرط عوض را نمی توان به استناد خیار عیب فسخ کرد یا از واهب «ارش» خواست. اعلام بطلان یا عدم نفوذ شرط عوض را نیز به دشواری می تون ادعا کرد گمان نمی رود چنین دعوایی در دادگاههای ما به پیروزی برسد. شرط دیگر این است که قرارداد باید تملیکی باشد. در عقود عهدی اگر متعهد به شایستگی وفای به عهد نکند باید از او اجرای تعهد را خواست. خیار عیب ویژه موردی است که مالی در برابر عوض تملیک شود و آن مال سالم نباشد. با وجود این در تملیک معوض منافع نیز خیار عیب مصداق پیدا می کند البته بشرطی که عیبی که موجب فسخ اجاره شود عیبی است که موجب نقصان یا صعوبت در انتفاع باشد.

۱-۲-۱-۴ عدم تبری از عیوب

ممکن است در زمان انعقاد عقد طرفین از عیوب مبیع تبری و ثمن تبری کرده باشند. مطابق ماده ۴۳۶ قانون مدنی هرگاه بایع از عیوب مبیع تبری جسته باشد و یا اینکه مسئولیت عیب را از خود سلب کند و یا مبیع را با تمام عیوب آن بفروشد، مشتری نمی تواند نسبت به همان عیوب، اختیار فسخ کند. هرگاه بایع از بعض عیوب تبری کرده باشد، مشتری نسبت به همان عیوب

^۱ شعبه ۴ دیوان عالی کشور در رای شماره ۱۵۹۷ مورخ ۱۳۲۱/۱۰/۵ اثبات وجود عیب در زمان عقد را به عهده خریدار دانسته و مجرد عیب در مبیع، بنابه اظهار نظر کارشناس را کافی برای احراز حق فسخ خریدار تلقی نکرده است.

اختیار فسخ ندارد ولی در صورت ظهور عیوب دیگر، خیار فسخ برای او وجود خواهد داشت. به نظر میرسد که شرط تبری از عیوب، نوعی اسقاط خیار عیب باشد و بر این اساس، اگر مبیع معیوب باشد مشتری حق فسخ نخواهد داشت. لذا با تبری، حق فسخ و مطالبه ارزش اسقاط می شود. تبری از عیوب بیگمان شامل تمام عیوب پنهان و آشکار موجود در حال عقد اسقاط می شود و به طور معمول بر عهده فروشنده قرار می گیرد تردید است. در خصوص این موضوع که تبری از عیب، تبری از عیب سابق است یا حادث، حسب مورد در هر دعوی مطابق با تراضی طرفین باید تصمیمی متناسب اتخاذ شود. (کاتوزیان؛ پیشین، ۲۹۶)

۱-۲-۲ مبنای خیار عیب

۱-۲-۲-۱ اصل سلامت کالا

عده ای از فقها مبنای خیار عیب را در درون تراضی جستجو می کنند. به نظر آنها در موارد متعارف خریدار خواهان تملک کالای سالم و بر پایه داین اعتقاد با فروشنده معامله می کند. اعتماد به سلامت مبیع او را بی نیاز از شرط این وصف می کند. فروشنده نیز از این اعتقاد آگاه می باشد، چرا که در غالب داد و ستد ها اصل را بر سلامت مبیع می نهند. کسی که اقدام به خرید مالی می نماید در مقابل آن عوض به فروشنده می دهد به تصور آن است که آن مال سالم و بدون عیب می باشد، این امر را در اصطلاح حقوقی سلامت از عیوب نامند. بدین جهت است که در بیع اگر چه شرط سلامت از عیوب نشده باشد اطلاق عقد اقتضاء می نماید که مبیع سالم و خالی از عیوب باشد؛ بنابراین شرط سلامت مبیع از عیوب تأکیدی بیش نیست در صورتیکه مشتری به تصور آنکه مبیع سالم است خریداری می نماید و آن مال معیوب باشد، ضرری از این راه متوجه مشتری شده که عدل و انصاف اقتضاء می نماید جبران شود (همان؛ ۳۱۱). این بنای عرفی و نوعی را همه در وجدان خود در می یابند و آنرا به عنوان شرط ضمنی می پذیرند، ولی باید انصاف داد که این مبنا برای توجیه تمام احکام مربوط به خیار عیب کافی نیست، بر فرض که پذیرفته شود خیار فسخ به دلیل تخلف مبیع از وصف معهود یا شرط ضمنی است، قانونگذار توجه به این وصف و شرط را از قواعد عمومی جدا ساخته و موضوع احکام خاص کرده است.

۱-۲-۲-۱ خیار عیب وسیله جبران ضرر

عده ای از فقها و حقوقدانان لزوم نفی ضرر را نیز در زمره مبنای خیار عیب آورده اند (امامی، پیشین؛ ۳۷۶). این نکته را نمی توان انکار کرد که هدف اصلی از پیش بینی راه رهایی از التزام قراردادی جلوگیری از ورود ضرر نارواست. زیرا آنچه در نتیجه خواست دو طرف و اجرای مفاد عقد به بار می آید مشروع است و اگر ضرری را باعث شود نمی توان «ناروا» تلقی کرد. قانون برای جلوگیری از ضرر مشتری در مورد عیب مبیع، او را به یکی از دو امر راهنمایی نموده است که هر کدام را بخواهد بدون جلب رضایت بایع اختیار کند یکی فسخ و انحلال عقد می باشد چنانکه در باقی اختیارات است و دیگری قبول معامله با اخذ ارزش یعنی اجازه قبول معامله را با اخذ ارزش به متضرر داده است؛ و در اختیارات دیگر فقط متضرر می تواند معامله را فسخ بنماید و یا آن را به همان نحو بپذیرد.

از موجبات قانونی انحلال عقد، فسخ ارادی آن به جهت خیار است که از نظر فقها به «ملک فسخ عقد» تعبیر شده است. خیار عیب یکی از اختیارات مندرج در ماده ۳۹۶ قانون مدنی است. در فقه عیب به معنی هر چیزی است که از خلقت اصلی، زیاد یا کم باشد. برخی داوری عرف را برای تشخیص این امر ملاک دانسته و بعضی، نقص و زیاده را ناظر به امر عینی تلقی کرده اند. در حقوق ایران موضوع «برطرف کردن عیب کالا» تازگی داشته و در کتب حقوقی، مورد بحث قرار نگرفته است. قانون مدنی نیز در مبحث خیار عیب، آن را مسکوت گذاشته است، آنچه در منابع فقهی مطرح شده، زوال عیب است که ارتباطی به برطرف کردن عیب کالا توسط فروشنده ندارد؛ زیرا زوال عیب، مواردی را شامل می شود که عیب موجود در کالا، خود به خود و بدون دخالت فروشنده برطرف شود.

تعاریف حقوقدانان از عیب، اکثراً شبیه تعاریف فقهی است. برخی معتقدند که عیب عبارت است از خروج شی از مجرا و خلقت اصلی بعضی از حقوقدانان در تعریف دیگر از عیب معتقدند که عیب عبارت است از وضعیتی درمورد معامله که برخلاف وضعیت عادی و درحال سلامت آن می باشد. برخی دیگر از حقوقدانان در تعریف عیب، علاوه بر لزوم چهره نوعی، انگیزه ها و هدف های ویژه دو طرف را دخیل دانسته اند و معتقدند که عیب نقصی است که از بهای کلال یا انتفاع متعارف از آن بکاهد. (کاتوزیان، پیشین، ۳۱۹) این تعریف کاملتر به نظر می رسد زیرا در کالای معیوب معمولاً همه اجزاء وجود دارند. لیکن بعضی از این اجزاء فاقد کارایی لازم هستند مانند اتومبیلی که در اثر تصادف دچار فرورفتگی شده باشد ولی در نقص، معمولاً یکی از اجزاء مال وجود ندارد مانند اینکه حیوان باربر فاقد یکی از چهارپا باشد

۲- تقابل کالای معیوب و خیار عیب

۲-۱ مبانی مسئولیت با گارانتی

از مباحث مهم قانون حمایت از مصرف کننده، بحث مبنای مسئولیت مدنی است. اساتید حقوق از مبنای مسئولیت به فلسفه مسئولیت، نیروی توجیه کننده مسئولیت و... تعبیر نموده اند (بادینی، ۱۳۸۴، ۵۲) به طور کلی از مبانی مختلفی در باب مسئولیت مدنی، گفتگو می شود که در ادامه مقررات قانون حمایت از مصرف کنندگان را مورد بررسی قرار می دهیم تا موضع قانونگذار ایران روشن گردد.

۲-۱-۱ مسئولیت قراردادی

در ابتدا آنچه به نظر می رسد در این قانون مورد پذیرش واقع شده، مسئولیت قراردادی است. در واقع عرضه کننده با فروش کالا و با ارائه ضمانتنامه به خریدار متعهد می شود هر گونه نقص و عیبی که در آن کالا وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از آن بروز نموده و کلیه خسارات وارده به مصرف کننده و اشخاص ثالث را جبران نماید. این نظر در مورد خریدار اول که در رابطه مستقیم با عرضه کننده قرار دارد قابل اعمال است؛ اما در فرضی که زیان دیده طرف معامله نبوده و صرفاً مصرف کننده کالای معیوب باشد یا شخص ثالثی باشد که در اثر عیب کالا خسارت دیده است، استناد به قواعد مسئولیت قراردادی تقریباً ناممکن است و دعوی مسئولیت مدنی منوط به اثبات تقصیر عرضه کننده (خوانده) است و مطالبه خسارت ناشی از عیب کالا از عرضه کننده ای که از عیب کالای خود آگاه نبوده و تقصیری مرتکب نشده مطابق قواعد سنتی مسئولیت مدنی امکان پذیر نیست.

۲-۱-۲ مسئولیت محض

اگرچه در حقوق موضوعه ایران، مبنای اصلی مسئولیت مدنی تقصیر است اما قانونگذار در موارد خاصی از مبنای دیگری همانند نظریه خطر پیروی نموده است. در خصوص عرضه کنندگان کالای معیوب هم قانونگذار مسئولیت آنها را بر مبنای نظریه خطر استوار ساخته است. زیرا عرضه کننده کالای معیوب در برابر سود و منفعت، مسئولیت قراردادی ای که از کار خود می برد باید زیانهای ناشی از آن را نیز تحمل کند (خطر در برابر انتفاع مادی) یا حداقل آنست که تولید یا عرضه کالای معیوب، فعالیت زیان بار غیر عادی و نامتعارفی است که باید مسئولیت زیانهای ناشی از آن را بر عهده گیرد (مسئولیت ناشی از ایجاد خطر نامتعارف)؛ بعبارت دیگر، هر کالای تولیدی یا عرضه شده باید قابلیت استفاده متعارف و ایمنی لازم برای چنین کاربردی را داشته باشد. در غیر اینصورت، تولید کننده مرتکب فعالیت زیان بار نامتعارفی شده که باید عواقب آن (زیانهای ناشی از عیب) را متحمل شود.

لازمه تجزیه و تحلیل مقررات مورد بحث بر مبنای نظریه خطر آنست که مسئولیت عرضه کنندگان کالای معیوب در برابر هر مصرف کننده ای فراتر از مسئولیت قراردادی و یک مسئولیت نوعی قانونی به حساب آید. در نظر گرفتن این مسئولیت محض

(صرف نظر از سازگاری یا عدم سازگاری آن با شرایط و قلمرو تعریف شده در مقررات مورد بحث که در ادامه خواهد آمد) با مبنای فقهی نیز تطابق چندانی ندارد؛ زیرا در شریعت اسلامی مسئولیت محض تنها در صورت اتلاف مال غیر (بالمباشره یا بالتسبیب) محقق می شود کما اینکه مسئولیت مطلق تنها در صورت غضب و استیلاهی غیر قانونی بر مال غیر محقق می شود. مگر اینکه قاعده لاضرر بتواند بعنوان یک قاعده عام، لزوم جبران هرگونه ضرر ناروا را اثبات نموده و مورد استناد قرار گیرد و در اینجا هم ضرر وارده به مصرف کننده ضرر ناروایی است که باید از ناحیه تولید کننده یا عرضه کننده کالای معیوب جبران شود.

۲-۱-۳ تقصیر عرضه کننده

اصولا در تولید و ساخت هر فرآورده ای باید ضوابط کمی و کیفی و استانداردهای متعارف ساخت آن رعایت شده باشد و این امر نه تنها بصورت شرط ضمنی در روابط فروشنده و خریدار مورد لحاظ واقع می شود بلکه بصورت یک تکلیف عام حرفه ای برای عرضه کنندگان کالا تلقی می شود که عدم رعایت آن، تقصیر نوعی (در مفهوم اجتماعی آن) محسوب و مبنای مسئولیت عرضه کنندگان است. عیب و نقص فرآورده ها که منجر به وقوع حادثه و ضرر و زیان می شود اصولا به دلیل عدم رعایت استانداردهای قانونی یا متعارف در تولید است؛ تولید کنندگان باید در چرخه تولید محصولات خود بویژه در مورد کالاهایی که با سلامت افراد مرتبط اند، این استانداردها را رعایت نمایند وگرنه وجود عیبی که منجر به ضرر و زیان مصرف کننده می شود دلالت بر تقصیر نوعی او دارد و موجب مسئولیت مدنی اوست و اگر تولید کننده از عیب فرآورده خود آگاه باشد، تقصیر شخصی و موجب مسئولیت کیفری اوست. تحلیل یاد شده از این جهت که مسئولیت عرضه کنندگان کالای معیوب را در چارچوب قواعد عام مسئولیت مدنی قرار داده و ما را از رژیم خاص مسئولیت عرضه فرآورده های معیوب بی نیاز می کند، می تواند جالب باشد اما با روح حاکم بر مقررات قانون حمایت از حقوق مصرف منافات دارد، زیرا که لازمه تحلیل فوق آنست که عرضه کننده با اثبات عدم آگاهی از عیب کالا و بی تقصیری خود از مسئولیت رها شود. در حالیکه اطلاق برخی مواد قانون مزبور دلالت بر مسئولیت عرضه کنندگان کالای معیوب به صرف ورود خسارت به واسطه آن عیب دارد. در ماده ۳ قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو چنین آمده است: «...جبران کلیه خسارات وارده به مصرف کننده و اشخاص ثالث، اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد)... برعهده عرضه کننده می باشد». از لحن قانون چنین بر می آید که اثبات تقصیر عرضه کننده (که می تواند تولید کننده یا وارد کننده اتومبیل باشد) برای تحقق مسئولیت وی ضرورت ندارد. همچنین لازمه این تحلیل امکان شرط تبری از عیوب، شرط عدم مسئولیت عرضه کننده و ... است که با مفاد مقررات قوانین مورد بحث مغایر است. با این حال می توان نظریه مزبور را این گونه اصلاح و تکمیل کرد که در صورت وجود عیب در فرآورده، تقصیر تولید کننده مفروض تلقی می گردد. فرض قانونی که اثبات خلاف آن ممکن نمی باشد.

۲-۱-۴ تضمین ضمنی

عرضه کنندگان کالا علاوه بر ضمانت سلامت و کارایی کالا و رفع هر نوع نقص یا عیب احتمالی آن در مدت معین (دوره گارانتی) که هنگام فروش کالا تصریح می گردد، بطور صریح یا ضمنی ایمنی کالا و فرآورده خود را تضمین می کنند. تضمین ایمنی کالا که بدلیل پیش بینی آن در قانون می تواند از لوازم قانونی قرارداد فروش کالا و بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مدنی از التزامات قراردادی فروشنده محسوب شود، تنها یک شرط صفت ساده یعنی وجود وصف ایمن بودن مبیع نیست تا در صورت تخلف، ضمانت اجرای آن تنها فسخ قرارداد (در بیع عین معین) یا تعویض کالا (در بیع کلی) باشد؛ بلکه علاوه بر آن التزام به جبران خسارت ناشی از فقدان ایمنی کالا نیز ضمیمه این تعهد است. چنین شرطی نه فقط به سود خریدار بلکه بصورت شرط و تعهد به نفع ثالث بطور ضمنی در قرارداد مقرر می گردد و ثالث در اینجا نه شخص معین بلکه عنوان عام مصرف کننده و بمانند عنوان عام دارنده در سند تجاری است.

با این وجود، گفته شده است اگر تضمین ایمنی مبیع به عنوان شرط قرارداد فروش از امور فرعی و وابسته به آن باشد، لازمه دانستن این پایه قراردادی آنست که شرط تضمین ایمنی مبیع در قلمرو توافق طرفین قرار گرفته و بیع بر مبنای تضمین سازنده یا عرضه کننده کالا و به اعتماد آن صورت گرفته باشد. پس در جایی که خریدار سازنده کالا را نمی شناسد یا توجهی به این گونه امور ندارد، چگونه می توان بیع را بر مبنای تضمین یاد شده استوار کرد و سازنده کالا را به عنوان عدم انجام تعهد مسئول شناخت؟ لذا باید آنرا تعهد مستقلی دانست که سازنده در برابر مصرف کننده دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۶۰). در این صورت، بدلیل لازم الوفا نبودن شرط ابتدایی در دیدگاه مشهور فقها و عدم پذیرش ایقاع عام در حقوق موضوعه، باید چنین تعهد مستقلی را در یک قالب قراردادی همانند جعاله تحلیل نمود (قنواتی، ۱۳۷۹، ۹۵). بدین صورت که گفته شود عرضه کنندگان کالا خود را در برابر عموم مصرف کنندگان کالا ملتزم می نمایند که "هر کس این کالا را استفاده نماید و بواسطه معیوب بودن آن دچار صدمه بدنی یا متحمل زیان مادی شود، زیان او را جبران می نمایم".

با این همه گفته می شود اگر تضمین ایمنی کالا ارتکاز عرفی پیدا نموده باشد و بپذیریم که امروزه عرضه کنندگان کالا بطور ضمنی قابل استفاده بودن متعارف آن و ایمنی کالا را در کاربرد متعارف آن تضمین کرده اند، به گونه ای که نیازی به تصریح و یادآوری ندارد، پس همه معاملات بر مبنای آن واقع می شود و منطقی است که عرضه کننده را به عنوان خسارت عدم انجام این تعهد مسئول جبران زیان وارده دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۶۲).

به هر حال با در نظر گرفتن تحلیل های یاد شده و با توجه به مقررات قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان و روح حاکم بر آن می توان نتیجه گرفت که در حقوق موضوعه ما نیز بمانند بسیاری از سیستم های حقوقی خارجی، مسئولیت ناشی از عرضه فرآورده های معیوب رژیم حقوقی خاص خود را دارد که از آن به مسئولیت ناشی از عیب تولید تعبیر می شود. در این حوزه، قواعد عام مسئولیت مدنی اجرا نشده و بر مبنای مصالح عمومی جامعه قواعد خاصی در حمایت از مصرف کنندگان اجرا می گردد؛ زیرا در قلمرو تولید و عرضه صرف عدم تقصیر یا احتیاط، فی نفسه مانع حتمی در ورود زیان نیست. ممکن است تولید کننده مرتکب تقصیری نشده و با این حال فرآورده او معیوب از آب درآمده و به مصرف کننده زیانی وارد کند که در این صورت، عرضه کننده کالای معیوب بیش از هر کس دیگری سزاوار جبران آن است. عدم لزوم اثبات تقصیر به معنای انکار رابطه سببیت نیست و این تفاوت اصلی مسئولیت محض و مسئولیت مطلق است و در مسئولیت ناشی از عرضه فرآورده معیوب، رابطه سببیت بین عیب کالا و زیان ایجاد شده از شرایط تحقق مسئولیت است (ابرهی، ۱۳۹۱، ۶۹).

۲-۲ تعهدات عرضه کنندگان

۲-۲-۱ رفع نقص و عیب

در این راستا ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو، مقرر می دارد: "عرضه کننده در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید، یا حمل) است که در وسیله وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از آن، بروز نموده و با مفاد ضمانتنامه و مشخصات اعلامی به مصرف کننده مغایر بوده یا مانع استفاده مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی جنس شود. هزینه رفع نقص یا عیب، در طول مدت ضمانت... برعهده عرضه کننده می باشد".

۲-۲-۲ جبران خسارت

مطابق انتهای ماده ۳ جبران کلیه خسارات وارده به مصرف کننده و اشخاص ثالث، اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد) هزینه های حمل خودرو به تعمیرگاه، تأمین خودروی جایگزین مشابه در طول مدت تعمیرات (چنانچه مدت توقف خودرو بیش از چهل و هشت ساعت باشد) برعهده عرضه کننده می باشد.

۲-۲-۳ تعویض یا استرداد کالای معیوب

بر اساس ماده ۴ این قانون چنانچه نقص یا عیب قطعات ایمنی خودرو در طول دوره ضمانت پس از سه بار تعمیر همچنان باقی باشد یا در صورتی که نقص یا عیب قطعاتی که موجب احتمال صدمه جسمی یا جانی اشخاص گردد و با یک بار تعمیر برطرف نشده باشد یا خودرو بیش از سی روز به دلیل تعمیرات غیرقابل استفاده بماند، عرضه کننده مکلف است حسب درخواست مصرف کننده خودروی معیوب را با خودروی نو تعویض یا با توافق، بهای آن را به مصرف کننده مسترد دارد.

با توجه مسئولیتهای در نظر گرفته شده در این قانون در صورت بروز عیب عرضه کننده ابتدا باید در صدد رفع عیب برآید و در صورت عدم امکان برحسب درخواست مصرف کننده خودروی معیوب را تعویض یا بهای آن را مسترد کند که این ضابطه بر خلاف ماده ۴۲۲ قانون مدنی در باب خیار عیب است. مطابق این ماده در صورتی که بعد از معامله ظاهر شود مبیع معیوب بوده، مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله.

۲-۳ دامنه مسئولیت

زیان دیده ممکن است خریدار باشد یا آنکه رابطه مستقیم قراردادی با عرضه کننده نداشته باشد. با این وصف باید دید که اشخاص مورد حمایت قوانین مورد مطالعه چه کسانی هستند؟ آیا عدم وجود رابطه قراردادی بین زیان دیده و عرضه کننده مانع برخورداری متضرر از حمایتهای قانون می گردد؟

بند ۵ ماده یک قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو مصرف کننده را تعریف کرده و مقرر داشته: «هر شخص حقیقی یا حقوقی است که خودرو را برای استفاده شخصی یا عمومی در اختیار دارد»؛ یعنی ملاک در اختیار داشتن کالا برای استفاده (و نه به قصد فروش یا تجارت) است. بنظر می رسد در قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو زیان دیده ثالث نیز مورد حمایت قرار گرفته است؛ زیرا بر اساس ماده ۳ قانون مزبور جبران کلیه خسارات وارده به مصرف کننده و اشخاص ثالث اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد)... بر عهده عرضه کننده قرار گرفته است. بدیهی است در این ماده مقصود از اشخاص ثالث، افرادی غیر از خریدار و مصرف کنندگان خودرو می باشد. به تعبیری اشخاصی که به نحوی از انحا اتومبیل را در اختیار دارند (مانند اقوام خریدار یا راننده وی) و نیز اشخاص ثالث تحت حمایت این قانون قرار می گیرند. حمایت قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو از این جهت کامل است و به کلیه کسانی که از عیب خودرو آسیب می بینند تسری می یابد.

نتیجه گیری

خیار عیب یکی از اختیارات مشترک بین عقود است. بموجب ماده ۴۳۵ قانون مدنی ایران خیار عیب بعد از علم به آن فوری است و در صورت تاخیر فسخ ساقط می شود. مقصود قانونگذار فوریت عرفی است. خسارت ناشی از عیب را نباید با مفاد خیار عیب مخلوط کرد. اگر در نتیجه استعمال کالای معیوب زبانی به خریدار یا سایر مصرف کنندگان برسد؛ مانند اینکه داروی فاسد شخصی را مسموم کند یا اتومبیل ناقص به واژگونی آن انجامد فروشنده مقصر مسئول است و این ضمانت تابع سقوط خیار نیست و تا پایان مرور زمان دعاوی باقی می ماند. از آنجا که رفع نقص احتمالی یا تعمیر کالا پس از فروش آن به مشتری، هزینه ای را بر سازنده و یا نماینده او تحمیل می نماید، بدین سبب، فروش کالای با ضمانت نامه، به قیمتی بالاتر از فروش آن بدون ضمانت نامه انجام می شود و اگر قرار باشد اعطاء گارانتی به طور شرط ضمنی تبری از عیوب دیگر باشد دلیل نخواهد داشت که گارانتی امتیاز محسوب شود و کالای دارای گارانتی گرانتر از کالای فاقد گارانتی باشد.

اصولاً اعطای گارانتی از سوی شرکت سازنده به عنوان اعطاء امتیاز به منظور جلب مشتری و حضور برتر در رقابتهای بازار محسوب می‌شود و اگر قرار باشد با اعطاء گارانتی شرط عدم مسئولیت در برابر عیوب دیگر برای خود قایل شود، امتیازی است که برای خود کسب کرده است نه آنکه به مشتری اعطاء کرده باشد. بنابر این سازنده خودرو با اعطاء گارانتی نمی‌تواند مدعی تبری از عیوب دیگر شود و لذا وجود عیب در حین انعقاد عقد، حق خیار عیب را برای خریدار ثابت نگه می‌دارد و گارانتی نیز منافاتی با آن ندارد.

پیشنهادهای

با توجه به مطالب بالا میتوان چند پیشنهاد را جهت بهبود و قانونی کردن موازین فروشندگان و خریداران؛ در احقاق حقوق خویش راجع به عیوب کالا؛ ارائه کرد.

۱. تدوین قوانین مربوط به گارانتی و نحوه اجرای آن در موارد و تولیدات داخلی و اجبار وارد کنندگان کالای خارجی بر انجام و تعهد گارانتی اشیائی که وارد کشور میکنند، توسط یه نهاد ناظر.
۲. اتخاذ ضمانت های اجرایی قوی تر، نسبت به متخلفین و عرضه کنندگان کالاهای معیوب منجمله صنایع خودرو سازی که بیشترین موارد را در جامعه شامل میگردند.
۳. اجرای قوانین در تمام مراجع نسبت به موضوع گارانتی با یک رای وحدت رویه به صورت یکسان گردد تا از صدور آرای متضاد و متفاوت در مراجع کاسته و حقوق متضررین به یک صورت مساوی احقاق گردد.

منابع و مأخذ

۱. ابهری، حمید، مبانی فقهی و حقوقی خیار عیب در عقد بیع و اجاره، فصلنامه حق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، ش ۲، تابستان ۹۱
۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ ششم، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۱
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، زمستان ۱۳۸۹
۴. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۶، انتشارات مجد، چاپ چهارم ۱۳۸۴
۵. عبده بروجردی، محمد، حقوق مدنی، چاپ اول، انتشارات خرسندی ۱۳۸۰
۶. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر دادگستر، تابستان ۱۳۸۴
۷. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم ۱۳۸۷
۸. کرمی، فرزانه، گرایلی، محمد باقر (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی رفع عیب کالا در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین
۹. المللی وین ۱۹۸۰، پژوهشنامه فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال ۲، ش ۲، بهار و تابستان ۹۳
۱۰. العاملی (شهید ثانی)، زین الدین، (۱۴۱۴ ه ق) مسالک الافهام، چاپاول، قم، موسسه المعارف الاسلامیه
۱۱. انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۲۰ ه ق)، مکاسب، ج ۵، چاپاول، قم ف مجمع الفکر الاسلامی
۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ ه ق) منهاج الصالحین، ج ۲ چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم
۱۳. زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳ ه ق) کلمه التقوی، ج ۴، چاپ سوم، چاپخانه مهر
۱۴. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین، شرایع الاسلام، ج ۱ فچاپ دوم، قم موسسه نشر اسلامی

The Position of Khiyar Aib despite Guarantee

Amer Moghadam¹, Khalil Khanafare²

1. *Master of Criminal Law and Criminology*

2. *Master of Private Law*

Abstract

Khiyar Aib (option of defect) is an option that Jurisprudence and the civil law have considered for the parties to a transaction to restore rights to defective goods. Today, a right has been added to this option, according to which the other party has an obligation to remove the defect or restore the rights of the aggrieved party. However, some argue against guarantee and in favor of the injured party's satisfaction, with the other party having no liability for the defective goods.

This paper which has used a descriptive-analytical research method has relied on articles of the law as well as library resources to respond questions relating to the nature of the guarantee right and the rights of the party receiving defective goods in domestic law. The results indicate that guarantee does not remove any liability from the seller of defective goods; rather it brings a double obligation to such a seller.

Keywords: Khiyar Aib (option of defect), guarantee, defective goods
